

نقش‌های قرآن در اهداف و سیاست‌گذاری دفاعی با تاکید بر اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی)

و ستمکاری و سرکشی (بغی)، عدم تعرض به زنان و کودکان و حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست و ... طرح می‌کند و از این رو نقش سیاست‌گذار دفاعی دارد و نیز قرآن وسیله دفاعی در برابر دشمن است؛ یعنی در جهاد کبیر به وسیله قرآن می‌توان جهاد فرهنگی کرد. از این رو قرآن نقشی در جنگ نرم دارد. در این نوشتار از روش‌های مرسوم در تفسیر قرآن و تحلیل سخنان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) استفاده شده است. **واژگان کلیدی:** قرآن، دفاع، نقش‌ها، اهداف، سیاست‌گذاری، اندیشه‌ها، امام خامنه‌ای (مدظله العالی).

دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی^۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۵
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۰۲

چکیده:

قرآن کریم به ابعاد دفاع توجه کرده است و نقش‌های متعددی در این رابطه دارد که در این نوشتار به چند مورد آنها می‌پردازیم. از طرفی قرآن بعد عقلانی دفاع را تامین می‌کند یعنی اهداف معقول مثل رفع ظلم و فساد و نجات مستضعفان و گسترش مکتب حق را فراروی رزمندگان قرار می‌دهد از این رو نقش عقلانی دفاع دارد. از طرف دیگر قرآن بعد سیاست‌گذاری دفاع را تامین می‌کند یعنی اصول و احکام حاکم بر دفاع همچون مقابله به مثل، ممنوعیت تجاوز و تعدی

۱ - استاد جامعه المصطفی العالمیه، Rezaee.quran@gmail.com

The Roles of the Quran in Defense Goals and Policymaking with Emphasis on the Defense Thoughts of Imam Khamenei (May Allah have mercy on him).

Abstract:

The Holy Quran has paid attention to the dimensions of defense and has several roles in this regard, some of which we will discuss in this article. On the one hand, the Quran provides the rational dimension of defense, meaning it places reasonable goals such as eliminating oppression and corruption, rescuing the oppressed, and spreading the school of truth before the warriors, hence it has a rational role in defense. On the other hand, the Quran provides the policy-making dimension of defense, meaning it proposes principles and rulings governing defense such as retaliation, prohibition of aggression, oppression, and rebellion, non-aggression against women and children, and preservation of natural resources and the environment, etc. Hence it has a role in defense policy-making. The Quran is also a means of defense against the enemy; that is, in the great jihad, cultural jihad can be waged through the Quran. Hence the Quran plays a role in soft war. In this article, conventional methods in interpreting the Quran and analyzing the speeches of the Supreme Leader (Mudhazlah al-Ali) have been used.

Keywords: Quran, defense, roles, goals, policy-making, thoughts, Imam Khamenei (may Allah have mercy on him).

مقدمه:

جرمی نداشتند) جز این که می‌گفتند: «پروردگار ما، خداست»؛ و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی [دیگر] دفع نمی‌کرد، دیرها و کلیساهای و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، حتماً ویران می‌شد؛ و قطعاً، خدا هر کس را که (دین) او را یاری کند، یاری می‌رساند؛ که مسلماً، خدا نیرومندی شکست‌ناپذیر است».

قرآن حتی منافقان را به خاطر عدم شرکت در دفاع سزایش می‌کند: «وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفَرِ يَوْمِنَا أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ» (آل عمران، ۱۶۷) «و به آنان گفته شد: «بیایید در راه خدا جنگ کنید، یا دفاع نمایید». گفتند: «اگر (بر فرض) جنگی می‌دانستیم حتماً از شما پیروی می‌کردیم». در آن روز (فاصله) آنان به کفر نزدیک‌تر بود از (فاصله) آنان به ایمان؛ به زبانشان چیزی می‌گویند که در دل‌هایشان نیست و خدا به آنچه پنهان می‌دارند آگاه‌تر است». در فقه نیز واژه دفاع به کار رفته و دفاع مسلمانان در برابر حمله دشمن با هر وسیله و با بذل جان و مال واجب دانسته‌اند (امام خمینی، ۱۳۶۴ ش). البته دفاع مسلمانان در برابر حمله دشمن به سرزمین اسلامی «جهاد» نیز می‌نامند. جهاد در اسلام به دو نوع اساسی تقسیم می‌شود:

الف) جهاد دفاعی در برابر دشمنان: گاهی جنگ بر فرد یا گروهی تحمیل می‌شود و آنان مورد تجاوز و هجوم قرار می‌گیرند. در این مورد تمام قوانین آسمانی و بشری به انسان حق می‌دهند که برای دفاع از خویش به پاخیزد و پیکار کند و این حق طبیعی انسان است. این نوع جنگ‌ها را جهاد دفاعی می‌نامند. جنگ «احزاب»، «احد»، «موته»، «تبوک»، «حنین» و برخی دیگر از جنگ‌های صدر اسلام از این قسم بودند و جنبه دفاعی داشتند.

ب) جهاد ابتدایی آزادی‌بخش: خدای متعال برنامه‌های سعادت و آزادی و تکامل انسان را توسط پیامبران خود به مردم ابلاغ می‌کند. حال اگر فرد یا گروهی مانع راه پیامبران شوند و مردم را از شنیدن ندای حق محروم سازند، حق‌طلبان اجازه دارند که نخست از راه‌های مسالمت‌آمیز و اگر ممکن نشد با توسل به

قرآن کریم به دفاع مشروع از جان و مال و ناموس مسلمانان اهمیت می‌دهد و از جهات متعدد به مساله دفاع پرداخته است و امام‌خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز به این حقیقت توجه کرده و در سخنان و نوشته‌های تفسیری خویش نقش قرآن در دفاع پرداخته است. در این نوشتار برآنیم که نقش‌های قرآن را در دفاع با روش تفسیر اجتهادی آیات و نیز با تحلیل نکات قرآنی امام‌خامنه‌ای (مدظله العالی) به دست آوریم. مفهوم شناسی:

۱- قرآن: کتاب آسمانی مسلمانان که توسط حضرت محمدبن عبدالله (ص) از طریق وحی دریافت شد و در قالب ۱۱۴ سوره مشتمل بر ۶۲۳۶ آیه ابلاغ شد و به صورت متواتر به ما رسیده و تحریفی در آن صورت نگرفته است. این کتاب الهی دارای آیات متعدد در ارتباط با موضوعات دفاع (جنگ) اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، تربیتی، عبادی و... است.

۲- امام‌خامنه‌ای (مدظله العالی): مقصود سیدعلی خامنه‌ای (مدظله العالی) متولد ۱۳۱۸ شمسی است که در مشهد متولد شد و قبل از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷ ش) از مبارزان ضد رژیم پهلوی بود و بعد از انقلاب اسلامی به سمت‌های مختلف از جمله امام جمعه تهران (۱۳۵۸ ش) و ریاست جمهوری اسلامی ایران (دو دوره چهار ساله) و رهبری انقلاب اسلامی ایران (از سال ۱۳۶۸ ش تاکنون ۱۴۰۴ ش) انتخاب شدند.

۳- دفاع: واژه «دفاع» در لغت از ماده «دفع» به معنای شدت دور کردن، دور کردن از کسی، همدیگر را راندن، یآوری کردن و حمایت کردن از کسی، حفظ کردن می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۳)؛ و در اصطلاح «دفاع» به معنای دور کردن حمله و هجوم نظامی دشمنان است (fa.wikifeqh.ir).

این ماده در قرآن کریم نیز به کار رفته است: «الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنَ دْيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقِّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفَعَهُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ لَهْدِمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج، ۴۰) (همان) کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان رانده شدند (و

۲- بررسی و تبیین جایگاه جهاد به عنوان یکی از مبانی دفاع مقدس در قرآن کریم، اردیبهشت ۱۳۹۹ش، پایگاه تخصصی فقه حکومتی (وسائل).
۳- جهاد و دفاع در قرآن، گنجینه معارف، پایگاه حوزه، ۱۳۹۷ش.

(ب) مقالاتی در مورد دفاع از منظر امام خامنه‌ای (مدظله العالی) همچون:

۱- راهبرد دفاعی ایران از منظر آیت الله خامنه‌ای، کیان برزگر و مسعود رضایی، مجله مطالعات راهبردی، ۱۳۹۵ش، ش ۴.

نکته: کتاب و مقاله مستقلی در مورد نقش قرآن در اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) نیافتیم.

نقش‌های قرآن کریم در دفاع:

قرآن کریم نقش‌های متعددی در دفاع دارد که می‌توان آنها را در محورهای زیر دسته‌بندی کرد:

الف) نقش قرآن در ترسیم اهداف عقلانی دفاع:

قرآن کریم با طرح اهداف معقول و منطقی برای دفاع، نقش عقلانی خود را در صحنه جنگ و جهاد و دفاع به نمایش می‌گذارد، در اینجا به مهمترین اهداف دفاع در قرآن اشاره می‌کنیم:

۱- دفاع با انگیزه الهی (فی سبیل الله) نه برای کسب قدرت و ثروت و شهوت‌رانی و...: «وَالَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ* سَيُهْدِيهِمُ وَيُصَلِّحُ بِأَلْهَمِهِ* وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ» (محمد/۴-۶) «و کسانی که در راه خدا کشته شدند، پس (خدا) اعمالشان را گم نمی‌کند؛ به زودی آنان را راهنمایی می‌کند و حالشان را اصلاح می‌کند؛ و آنان را وارد بهشت می‌کند، در حالی که آن را به آنان شناسانده بود.»

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَاقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره/۱۹۰) «و در راه خدا، با کسانی که با شما پیکار می‌کنند، بجنگید؛ و از حد تجاوز نکنید، که خدا تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد.» جمله اول آیه که می‌فرماید: «در راه خدا نبرد کنید»، در حقیقت روشن می‌سازد که هدف جنگ‌های اسلامی انتقام‌جویی، جاه‌طلبی، ریاست، کشورگشایی و به دست آوردن غنائم نیست، بلکه جهاد مسلمانان در راه خدا و گسترش حق، عدالت و توحید است.

زور و جهاد این موانع را برطرف سازند و برای فراهم ساختن مقدمات آزادی فکری بشر از هر وسیله‌ای استفاده کنند و در اینجاست که ضرورت جهاد ابتدایی روشن می‌گردد.

برای مثال، چنانچه در جامعه‌ای شرک و بت‌پرستی حاکم گردد، اسلام- هرچند عقاید مخالفان خود از یهودیت و مسیحیت را تحمّل می‌کند و حتی به طرفداران آنها اجازه می‌دهد که طبق قراردادی در جامعه اسلامی زندگی کنند- بت‌پرستی را تحمل نمی‌کند چرا که ریشه صحیحی ندارد و در واقع نوعی خرافه و انحراف، بلکه نوعی بیماری فکری و اخلاقی است؛ از این رو اسلام با مسالمت و از طریق استدلال با آن مبارزه می‌کند و اگر میسر نشد، با دستور جهاد ابتدایی ریشه این نوع بیماری‌ها و خرافات را برمی‌اندازد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۴ش؛ رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ش). بنابراین در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: واکنش افراد در برابر حمله دشمنان را دفاع نامند که در عصر کنونی علاوه بر بعد نظامی دارای ابعاد فرهنگی، عاطفی، سیاسی و... می‌شود.

۴- نقش: واژه «نقش» در لغت به معنای «نشان و اثر گذاشتن در روی زمین» و نیز نگاشتن، کندن نگین، نگار کردن چیزی به دورنگر» آید (دهخدا، ۱۳۷۳) و در اصطلاح علوم اجتماعی به معنای مختلف گفته شده از جمله «فعالیتی که در جامعه به عهده فرد یا گروهی قرار دارد و انتظاراتی را در دیگران به وجود می‌آورد». مقصود از «نقش» در اینجا شیوه تاثیرگذاری و جهت‌دهی و تحول‌آفرینی یک عامل در معمول مورد نظر است که یک واقعیت مثل قرآن کریم می‌تواند از جهات متعدد بر حوادث دفاعی تاثیرگذار باشد و نقش‌های متنوعی را به نمایش بگذارد که نتایج خاص خود را دارد.

پیشینه:

در این مورد کتب و مقالات در دو محور نگاشته شده است که به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم:

الف) مقالات در زمینه دفاع از منظر قرآن کریم همچون:
۱- مبانی نظری دفاع مقدس در قرآن کریم، عباسعلی رستمی‌نسب، نشریه ادبیات پایداری، بهار ۱۳۸۹ش، شماره ۲، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

بنابراین جنگ برای امور فانی و ناپایدار و کم ارزش مثل قدرت، ثروت و شهوت معقول نیست که انسان جان خود را برای آنها فدا کند ولی مبارزه در راه خدا که منتهی به شهادت و حیات ابدی می‌شود معقول و منطقی است که انسان جان و مال خود را برای چنین هدف عالی فدا کند (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳).

۲- دفاع از عقیده حق (مبارزه برای گسترش دین حق): «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» (توبه/۲۹). «با کسانی که به خدا و به روز بازپسین ایمان نمی‌آورند و آنچه را خدا و فرستاده‌اش حرام کرده، ممنوع نمی‌دارند و به دین حق متدین نمی‌شوند، (که) از افرادی هستند که کتاب (الهی) به آنان داده شده، پیکار کنید تا این که [مالیات] جزیه را به دست [خود] بپردازند، در حالی که آنان کوچک‌اند». اسلام با مشرکان به عنوان «خرافه‌پرستان» به شدت برخورد می‌کند و خواستار جنگ با آنها و ریشه‌کن نمودن آنها می‌شود؛ اما در مورد اهل کتاب همچون یهودیان و مسیحیان، یک درجه تخفیف داده، اجازه می‌دهد در کنار مسلمانان زندگی کنند؛ البته در صورتی که تسلیم و حاضر شوند به عنوان یک اقلیت زندگی مسالمت‌آمیزی با مسلمانان داشته باشند و اسلام را محترم بشمرند و به تحریکات و تبلیغات مخالف اسلام دست نزنند و مالیات خاصی بنام «جزیه» بپردازند؛ اما در صورتی که این شرایط را رعایت نکنند، اجازه پیکار با آنان را صادر می‌کند. و نیز در آیه اشاره شده که همه پیروان کتاب‌های آسمانی پیشین، گرفتار انحراف‌های مذهبی و خرافات و آلودگی‌های حرام شده‌اند؛ بنابراین، باید فکر مذهبی خود را با اسلام نوسازی کنند (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳).

۳- دفاع از پیمان‌ها (مبارزه با پیمان شکنی): «وَإِن نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَأَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهِمْ يَنْتَهُونَ * أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أُولَِّ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَ اللَّهَ فَالَهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (توبه، ۱۲-۱۳). «و اگر سوگندهایشان

را پس از پیمانشان شکستند و در دین شما طعنه زدند، پس با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ [چرا] که آنان هیچ سوگندی برایشان (معتبر) نیست؛ تا شاید آنان (به کار خود) پایان دهند؛ چرا با گروهی که سوگندهایشان را شکستند و آهنگ اخراج فرستاده [خدا] کردند، پیکار نمی‌کنید؟! و حال آن‌که آنان نخستین بار (پیکار) با شما را آغاز کردند؛ آیا از آنان می‌هراسید؟! اگر مؤمنید، پس خدا سزاوارتر است که از (مخالفت) او بهراسید». تعبیرات این آیه نشان می‌دهد در میان مسلمانان، گروهی وجود داشتند که از جنگ با دشمن و قدرت آنها می‌ترسیدند که قرآن به آنها هشدار می‌دهد. شاید که برخی مسلمانان می‌پنداشتند لغو پیمان با مشرکان صحیح نیست؛ از این‌رو، به آنان پاسخ داده می‌شود که مشرکان خود مقدمات پیمان‌شکنی را فراهم کردند و در جنگ پیش‌قدم شدند. و نیز از این آیه استفاده می‌شود که مشرکان پیمان‌شکن مهاجم بودند و مسلمانان نبردی دفاعی داشتند (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳).

۴- دفاع در برابر متجاوزان (به سرزمین و جان و مال و ناموس): «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (توبه، ۳۶). «همگی با مشرکان پیکار کنید، همان‌گونه که [آنان] همگی با شما می‌جنگند؛ و بدانید که خدا با خود نگهداران است».

«وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره، ۱۹۰) «و در راه خدا، با کسانی که با شما پیکار می‌کنند، بجنگید؛ و [از حد] تجاوز نکنید، که خدا تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد». جمله دوم آیه که می‌فرماید: «با کسانی نبرد کنید که با شما می‌جنگند»، با صراحت طرف جنگ مسلمانان را مشخص می‌سازد و بیان می‌کند که تا وقتی دشمنان دست به اسلحه نبرده‌اند، مسلمانان پیش‌دستی نکنند (به استثنای موارد خاصی که در آیات جهاد بدان اشاره خواهد شد).

در ضمن، از این قسمت آیه استفاده می‌شود که در جنگ‌ها نباید به غیرنظامیان (به‌ویژه زنان و کودکان) حمله کرد؛ چرا که آنان به جنگ برخاسته‌اند. و نیز از این آیه، لزوم دفاع و مقابله به مثل استفاده می‌شود که

۵- دفاع در برابر فتنه‌گری و سرکشی (خارجی و

داخلی): فتنه و آشوب گاهی توسط دشمن خارجی است و گاهی توسط منافقان داخل مسلمانان است قرآن کریم به هر دو مورد توجه کرده و خواستار مبارزه با آنها شده است: «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجَكُمُ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهُ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ * فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ * وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ» (بقره، ۱۹۱-۱۹۳). «و هر کجا آنان را یافتید، بکشیدشان؛ و از جایی که شما را بیرون راندند، آنان را بیرون کنید. و (بدی) آشوب‌گری [شرک]، از کشتار [هم] شدیدتر است. و در کنار مسجدالحرام با آنان پیکار نکنید، مگر این‌که در آن‌جا با شما بجنگند. و اگر با شما پیکار کردند، پس آنها را بکشید. سزای کافران چنین است؛ و اگر خودداری کردند، پس در واقع خدا بسیار آمرزنده مهرورز است؛ و با آنها پیکار کنید، تا آشوب‌گری باقی نماند و دین فقط برای خدا باشد و اگر خودداری کردند، پس هیچ تجاوزی جز بر ستمکاران [روا] نیست».

فتنه هر چیزی است که موجب اختلاف و اضطراب (و آشوب‌گری) شود. این معنای وسیع شامل هرگونه فریب، فساد، شرک، گناه و رسوایی می‌شود؛ و مقصود از «فتنه» در آیه بالا، همان شرک و بت‌پرستی است که سرچشمه انواع مفاسد اجتماعی، اختلافات، گناه، فساد و خون‌ریزی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق). آیین بت‌پرستی و فسادهای آن که در مکه رایج شده و حرم امن خدا را آلوده کرده بود فتنه‌ای بالاتر از قتل و کشتار بود. خدای متعال در این دو آیه وظایف مسلمانان را در برابر کافران و مشرکان مکه روشن ساخته است؛ مشرکانی که مسلمانان را از خانه و زندگی خود در مکه آواره ساختند و هر نوع اذیت و آزاری درباره آنها روا داشتند.

این آیات به مسلمانان اجازه وسیعی می‌دهد که به تعقیب کافران مکه بپردازند و هر جا دسته‌ای از آنان را آماده مبارزه یافتند، به قتل برسانند و همانگونه که آنان مسلمانان را آواره کردند، اینان نیز آنها را از مکه بیرون کنند؛ البته این آیات در مورد روش برخورد با کافران

از حقوق انسانی همه افراد بشر است (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳).

نکته: از آنجا که دفاع در برابر متجاوزان امری فطری و غریزی است که حتی حیوانات هم انجام می‌دهند لذا قرآن انسان‌های منافق را که اقدام به دفاع نمی‌کنند سرزنش می‌کند و می‌فرماید: «وَلْيَعْلَمِ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ لَقَاتَلْنَا لِاتَّبِعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ» (آل عمران، ۱۶۷). «و (نیز) برای این‌که معلوم بدارد کسانی را که دورویی نمودند، و به آنان گفته شد: «بیاید در راه خدا جنگ کنید، یا دفاع نمایید.» گفتند: «اگر (بر فرض) جنگی می‌دانستیم حتماً از شما پیروی می‌کردیم.» در آن روز (فاصله) آنان به کفر نزدیک‌تر بود از (فاصله) آنان به ایمان؛ به زبان‌شان چیزی می‌گویند که در دل‌هایشان نیست. و خدا به آنچه پنهان می‌دارند آگاه‌تر است».

در ماجرای احد سه گروه در میان مسلمانان پیدا شدند: گروه اول: افراد معدودی مثل علی(ع) بودند که تا لحظه آخر پایداری نمودند و شهید یا مجروح شدند.

گروه دوم: کسانی بودند که در دل‌هایشان تزلزل و اضطراب پدید آمد و فرار کردند.

و گروه سوم: منافقانی بودند که در بین راه، به بهانه‌های مختلف، از شرکت در جنگ خودداری کردند و به مدینه بازگشتند. «عبدالله بن ابی سلول» و ۳۰۰ نفر از یارانش، از این گروه بودند، که در برابر دعوت به جهاد، بهانه می‌گرفتند و می‌گفتند: اگر می‌دانستیم جنگی واقع می‌شود از شما پیروی می‌کردیم (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۴ش).

آری جنگ و عملیات نظامی، چهره منافقان را افشا می‌کند (قرائتی، ۱۳۷۴). آنان نه حاضر به جنگ در راه خدا هستند و نه حاضرند از میهن و هموطنان خویش دفاع کنند و اعمال خود را با بهانه‌جویی توجیه می‌کنند. البته از تعبیر «در راه خدا جهاد کنید یا دفاع نمایید»؛ استفاده می‌شود که دفاع از میهن، جان، خویشاوندان و هموطنان نیز یک ارزش اسلامی است همان‌گونه که یک وظیفه انسانی است (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳).

مکه است و همچنین شامل همه کافرانی می‌شود که شرایطی همانند آنان را دارند. خدای متعال در آیه اول به مسلمانان اجازه می‌دهد که با کافران مقابله به مثل کنند و همان‌طور که آنان مسلمانان را از مکه تبعید کردند، مسلمانان نیز کافران را اخراج کنند؛ البته این یک قانون کلی است و مخصوص اهل مکه نیست.

البته هدف اسلام از جنگ، کشورگشایی، فرمانروایی، به دست آوردن غنایم جنگی، تهیه بازارهای تجارتي، به دست آوردن مواد خام و یا برتری بخشیدن به یک نژاد خاص نیست. هدف از جهاد اسلامی پیروزی دین خدا، یعنی اجرای دستورات او و جلب خشنودی پروردگار و برقرار کردن عدالت اجتماعی و نیز مبارزه با فتنه‌گری، ستمکاری، گمراهی، شرک و بت‌پرستی است (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳).

تذکر: مشابه آیه فوق در سوره انفال آیه ۳۹ آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ». «ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت‌گیر؛ و مقصدشان جهنم است؛ و بد فرجامی است». مقصود از «جهاد با کافران»، مبارزه همه‌جانبه و به‌ویژه جنگ مسلحانه با آنان است و مقصود از «جهاد با منافقان» مبارزه‌هایی همچون مذمت، توبیخ، تهدید و افشاگری است؛ زیرا منافقان در ظاهر مسلمان‌اند و از این‌رو، اسلام مبارزه مسلحانه با آنان را اجازه نمی‌دهد، و پیامبر اسلام (ص) نیز هیچ‌گاه با منافقان جنگ مسلحانه نکرد؛ البته اگر روزی منافقان کفر خود را آشکار و در برابر مسلمانان صف‌آرایی کنند، در این صورت کافر حربی به شمار می‌آیند و نبرد با آنان مجاز است. برخی مفسران آورده‌اند که پیامبر اسلام (ص) پیش از نزول این آیه با منافقان رفتاری کریمانه داشت، ولی پس از نزول آن برخوردشان شدت یافت (سیدقطب، ۱۴۱۲ق). واژه «غَلَّظَ» ضدِ رقت و مهربانی و به معنای خشونت (و سخت‌گیری) است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق).

در آیه فوق و در آیه ۹ سوره تحریم که با آن مشابه است، به پیامبر دستور داده شده که با کافران و منافقان سخت‌گیری کرده و خشونت به خرج دهد ولی در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران آمده است: اگر تو سخت‌گیر و خشن بودی، مردم از دور تو پراکنده می‌شدند؛ یعنی

به صورت تلویحی پیامبر را از خشونت و سخت‌گیری باز می‌دارد.

آری، اسلام اساساً دین رحمت و محبت است و اصل در آن، نفی خشونت و سخت‌گیری است؛ اما اگر مخالفان از لجاجت، توطئه و خشونت دست برندارند، با سخت‌گیری و خشونت با آنان برخورد می‌شود؛ به عبارت دیگر، اسلام خشونت غیرقانونی را نمی‌پذیرد؛ زیرا نوعی ستمگری و جنایت است، ولی خشونت و سخت‌گیری قانونی را که براساس ضوابط شرعی و دینی باشد، می‌پذیرد و این یک روش عقلایی است که در همه جوامع برای سالم‌سازی محیط اجتماع و جلوگیری از تجاوز و قانون‌شکنی تجویز می‌کند (بیانات در خطبه نماز جمعه، ۲۶ / ۱ / ۷۹). همان گونه که در برخی حدود و مقررات اسلامی، مانند حد سرق و حد عمل منافی عفت، دستور قطع دست یا شلاق زدن آمده و در قرآن نیز بدان‌ها تصریح شده است (مانده، ۳۸ و نور، ۲-۴). در هر صورت، دستور سخت‌گیری و خشونت در برخورد با کافران و منافقان است؛ اما مؤمنان باید با همدیگر مهربان باشند: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح، ۲۹؛ رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ش).

۶- دفاع در برابر ستمگران: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يَقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج، ۳۹). «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت (جهاد) داده شد، به خاطر این‌که آنان مورد ستم واقع شده‌اند؛ و قطعاً، خدا بر یاری آنان تواناست». هنگامی که مسلمانان در مکه بودند مشرکان به آنان آزار می‌رساندند و آنان به پیامبر (ص) شکایت می‌کردند و اجازه جهاد می‌خواستند، اما پیامبر (ص) می‌فرمود: شکایا باشید. هنوز دستور جهاد به من داده نشده است. این جریان ادامه داشت تا این‌که مسلمانان به مدینه هجرت کردند و خدا با نزول آیه فوق به آنان رخصت جهاد داد (طبرسی، ۱۳۷۲ش؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق؛ زمخشری، ۱۳۸۵ق؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق).

خدا به مؤمنان مظلوم اجازه جهاد داد تا آنان توان خویش را به کار گیرند و با دشمن مبارزه کنند و در این صورت است که از طرف خدا یاری می‌شوند؛ چرا که خدا برای یاری آنان تواناست (رضایی اصفهانی و

کلی است که خدا عدالت‌پیشگان را دوست دارد حتی اگر عدالت نسبت به کافران باشد. ولی دوستی با دشمنان و کافران حربی ظلم است؛ زیرا ارتباط دوستانه با دشمن ستم به خود و جامعه است و موجب سوء استفاده دشمنان و زیان یا شکست مسلمانان می‌شود (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ ش).

۷- حفظ مکان‌های مقدس در برابر دشمنان: «أَذِنَ لِلَّذِينَ يَقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَيَّ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ* الَّذِينَ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفُتِنَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَمَا خَلَقُوا إِلَّا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ*» (حج، ۳۹-۴۰). «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت (جهاد) داده شد، به خاطر این که آنان مورد ستم واقع شده‌اند؛ و قطعاً، خدا بر یاری آنان تواناست؛ (همان) کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان رانده شدند، (و جرمی نداشتند) جز این که می‌گفتند: «پروردگار ما، خداست»؛ و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی [دیگر] دفع نمی‌کرد، دیرها و کلیساهای و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، حتماً ویران می‌شد؛ و قطعاً، خدا هر کس را که (دین) او را یاری کند، یاری می‌رساند؛ که مسلماً، خدا نیرومندی شکست‌ناپذیر است.»

«صوامع» جمع صومعه و آن مکان عبادت راهبان مسیحی است که در خارج شهرها ساخته می‌شود و به آن «دیر» نیز می‌گویند و واژه «بیع» به معنای معبد مسیحیان است که به آن کلیسا می‌گویند و واژه «صلوات» در این جا به معنی معبد یهودیان است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۴ ش).

اگر مؤمنان غیور در برابر فعالیت‌های ویرانگر طاغوت‌ها و ستمگران ساکت باشند و تماشا کنند، تمام مراکز عبادت از بین خواهد رفت؛ چون معبدها و مساجد سنگرهای بیداری و قیام علیه خودکامگان است و مستکبران نمی‌توانند آنها را تحمل کنند و اگر روزی قدرت یابند همه را با خاک یکسان می‌کنند. این یکی از فلسفه‌های جهاد و اجازه‌ی خدا به مؤمنان برای دفاع از حریم الهی است. در مسجدها نام خدا زیاد برده می‌شود؛ چون در مسجدهای مسلمانان در هر شبانه روز، پنج بار

همکاران، ۱۳۸۳ ش).
«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ* إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه، ۸-۹). «خدا شما را نسبت به کسانی که در مورد دین با شما پیکار نکردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون نراندند، منع نمی‌کند که به آنان نیکی کنید و نسبت به آنان دادگری نمایید؛ [چرا] خدا دادگران را دوست می‌دارد؛ خدا شما را فقط از کسانی که در مورد دین با شما پیکار کردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون راندند و برای بیرون راندن شما هم‌دیگر را پشتیبانی کردند، منع می‌کند که با آنان دوستی کنید؛ و هرکس آنان را دوست داشته باشد، پس تنها آنان ستمکارند». در این آیات دشمنان اسلام و کافران به دو گروه تقسیم شده‌اند:

الف) کافران حربی که با مسلمانان پیکار و آنان را از خانه‌هایشان اخراج کردند و یا افرادی که به این دشمنان کمک کردند و دشمنی خود را با اسلام و مسلمانان آشکار نموده‌اند. در این صورت مسلمانان وظیفه دارند که هرگونه رابطه دوستانه را با این کافران حربی قطع کنند. مصداق این گروه در عصر پیامبر (ص) مشرکان مکه بودند و در عصر ما اسرائیل و یاوران آمریکا هستند که با مسلمانان فلسطینی می‌جنگند و آنان را از سرزمین‌شان اخراج می‌کنند و دولت آمریکا از آنان حمایت می‌کند.

ب) کافران غیرحربیی که با مسلمانان کاری نداشتند و اقدام به جنگ و تبعید و آزار مسلمانان نمی‌کردند و حتی گروهی از آنان پیمان صلح با مسلمانان بستند. مسلمانان می‌توانند رابطه دوستانه با کافران غیرحربیی برقرار سازند و عادلانه با آنان رفتار کنند و حتی به آنان نیکی کنند (چرا که زمینه‌های جذب آنان به اسلام فراهم است).

مصداق این گروه قبیله خزاعه در صدر اسلام بود که پیمان ترک مخاصمه با مسلمانان داشتند. در عصر حاضر بسیاری از کشورهای کافر بی‌طرف هستند و با مسلمانان رابطه مسالمت‌آمیز دارند. البته این قانون

نماز خوانده می‌شود، در حالی که در معبدهای ادیان دیگر گاهی هفته‌ای یک‌بار یا در روزهای مخصوصی از سال عبادت می‌شود (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ش).

«وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يَقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ» (بقره، ۱۹۱). «و در کنار مسجد الحرام با آنان پیکار نکنید، مگر این‌که در آن جا با شما بجنگند. و اگر با شما پیکار کردند، پس آنها را بکشید. سزای کافران چنین است.» در آیه فوق اشاره شد که حفظ احترام مسجدالحرام در هر شرایطی لازم است، مگر هنگامی که دشمن بخواهد با سوءاستفاده از این حرم امن و مکان مقدس، خون مسلمانان را بر زمین بریزد؛ که در این صورت قاعده «اهم و مهم» جاری می‌شود؛ یعنی مسئله مهم امنیت و حفظ احترام مسجد الحرام، فدای مسئله مهم‌تر حفظ خون مسلمانان می‌شود و جنگ در مسجدالحرام جایز خواهد بود (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ش).

۸- ایجاد آرامش و صلح در جامعه: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات، ۹). «و اگر دو گروه از مؤمنان با هم به جنگ (و نزاع) پرداختند، پس میان آن دو صلح برقرار کنید؛ و اگر یکی از آن دو بر دیگری ستم (و تجاوز) کند، پس با آن کسی که ستم می‌کند، بجنگید، تا به فرمان خدا بازگردد؛ و اگر بازگشت، پس در میان آن دو عادلانه صلح برقرار سازید و دادگری کنید؛ [چرا] که خدا دادگران را دوست می‌دارد.»

حکایت شده است که بین دو قبیله «اوس» و «خزرج»، که از انصار مدینه بودند، اختلافی پیدا شد و سبب شد که گروهی از آنان با هم‌دیگر درگیر شوند و با چوب و کفش هم‌دیگر را بزنند (و یا حتی دست به شمشیر بردند). آیه فوق فرود آمد و به مسلمانان دستور صلح و اصلاح داد (جلالی، ۱۴۱۰ق؛ محقق، ۱۳۵۹ش؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش؛ قرطبی، ۱۴۲۹ق). «اقتتلوا» در اصل به معنای «جنگ» است، ولی در این جا شامل هرگونه نزاع و درگیری می‌شود، هرچند به مرحله‌ی خون‌ریزی و جنگ نرسد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۴ش).

پس مؤمنان وظیفه دارند در مورد هرگونه مشاجرات لفظی و نزاع و جنگ اقدام به صلح کنند. طبق این آیه در مرحله اول بر مسلمانان واجب است که از هرگونه درگیری و خون‌ریزی بین مسلمانان جلوگیری کنند و تماشای صحنه نباشند. و در مرحله دوم اگر یکی از دو طرف درگیری سرکشی کرد و به ستم و تجاوز ادامه داد، در صورتی که قضیه از طریق مسالمت‌آمیز قابل حل و فصل نبود، لازم است که مؤمنان با آن طرف مبارزه کنند و در این میان اگر کسی از آن طرف سرکش کشته شد، خون او هدر رفته است و اموالی که از بین می‌رود موجب ضمان نمی‌شود. در مرحله سوم اگر دو طرف درگیری تسلیم حکم خدا شدند، باید بین آنان طبق اصل عدل داوری شود و حق هرکس به او داده شود؛ یعنی ریشه ستمکاری را بکنند و طبق عدالت علت نزاع را از بین ببرند تا دوباره از سر گرفته نشود.

البته برای اصلاح مؤمنان، در مرحله اول به اجازه حاکم شرع احتیاج نیست، اما در مرحله دوم و برای شدت عمل و مبارزه با آنان، اجازه حاکم شرع و حکومت اسلامی لازم است. مگر آنکه دسترسی به حاکم، به هیچ صورت ممکن نباشد که در این جا مؤمنان عادل و افراد آگاه تصمیم می‌گیرند. و اگر گروه ستمکار خونی از مؤمنان مظلوم یا اصلاح‌گران بریزند، یا اموال آنان را از بین ببرند، مسئول هستند و قصاص و ضمان به عهده آنهاست، ولی اگر از گروه ستمکار خونی ریخته شود یا مالی تلف گردد، هیچ‌کس ضامن نیست (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۴ش).

بازداشت موقت مؤمنان درگیر برای فرونشاندن نزاع و فراهم کردن مقدمات صلح مانعی ندارد، اما در این گونه جنگ‌ها، غنایم و اسیر اصطلاحی وجود ندارد؛ چون هر دو طرف مؤمن هستند. در صورتی که هر دو گروه درگیری، ستمکار بودند و تن به صلح ندادند، مسلمانان با هر دو طرف مبارزه می‌کنند تا تسلیم حکم الهی شوند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۴ش).

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلَّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (انفال، ۳۹). «و با آن (کافر)ان پیکار کنید، تا آشوب‌گری باقی نماند، و دین یک‌سره از آن خدا باشد؛ و اگر آنان (به کفر)

مبارزه با فساد، ظلم و زورگویی جزو اصول ماست - اینها تغییرناپذیر است - اما ممکن است روش‌های گوناگونی در اوضاع و احوال مختلف وجود داشته باشد» (بیانات در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) ۱۳۸۱/۳/۱۴).

دفاع از نظام اسلامی: «دفاع از حکومت اسلامی برای مردم ایران مسأله‌ای اعتقادی است که از پابندی به دین و تعهد به انجام وظیفه الهی مایه می‌گیرد و این احساس تعهد، امروز تمامی مسلمانان را در هر نقطه‌ای از جهان شامل می‌شود» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و شرکت‌کنندگان در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی با رهبر انقلاب، ۱۳۷۳/۶/۴).

لزوم مقابله با فتنه‌ها: «آن چیزی هم که در این زمینه مخصوص نیروهای مسلح و نیروهایی حافظ امنیت است این است که مراقب فتنه باشند. در قرآن یک جا می‌فرماید: «الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره، ۱۹۱)، یک جا می‌فرماید: «الْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره، ۲۱۷)؛ «اَشَدُّ» یعنی سخت‌تر، «اَكْبَرُ» یعنی بزرگ‌تر. کشتار چیز بدی است، نامطلوب است اما فتنه از آن بدتر است. خب اگر فتنه از قتل بدتر است، پس بایستی نیروهایی که حافظ امنیت هستند آرایش لازم را، نظم لازم را برای مقابله با فتنه هم بگیرند، آمادگی‌های خودشان را برای فتنه هم بایستی حفظ بکنند؛ این آن چیزی است که دستگاه‌ها بایستی به آن توجه داشته باشند» (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش، ۱۳۹۸/۸/۸).

اهداف مبارزه: «إِنَّمَا يَنْهَاكُمْ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ» (ممتحنه، ۹). باید با کسانی شدید بود که با هویت، اسلام، ملیت، کشور، تمامیت ارضی، استقلال، شرف، عزت، ناموس، سنت‌ها، فرهنگ و ارزش‌های شما مبارزه می‌کنند. این فرهنگی است که باید بر جامعه ما حاکم باشد. تساهل و تسامح باید بین خود مسلمانان برقرار باشد» (بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۶). آری یکی از نقش‌های قرآن کریم در دفاع و جهاد آن است که اهداف والای آن را مطرح می‌کند و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز به عموم این اهداف اشاره کرده است که این اهداف در جهت دهی

پایان دادند، پس در واقع خدا به آنچه انجام می‌دهند، بیناست».

«فِتْنَه» در قرآن کریم گاهی به معنای آزمایش، بلا و فشار می‌آید و در آیه فوق می‌تواند به معنای شرک و بت‌پرستی باشد که انواع محدودیت‌ها و فشارها را برای جامعه در پی دارد و نیز شامل انواع فشارهای دشمنان در برابر اسلام و آزادی مسلمانان می‌شود. این آیه به دو هدف عمده جهاد اسلامی اشاره کرده است: نخست، بر چیدن بساط بت‌پرستی و شرک که در حقیقت نوعی خرافه و انحراف است و دوم، به دست آوردن امنیت و از بین بردن فتنه‌ها تا زمینه‌ای برای آزادی بیان و تبلیغ و نشر اسلام شود (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ش).

۹- حمایت و دفاع از رهبر و نظام اسلامی: «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف، ۱۵۷). «و کسانی که به او ایمان آوردند و گرمی‌اش داشتند (و دشمنانش را از او بازداشتند) و یاری‌اش کردند و از نوری که با او فرود آمده پیروی نمودند، تنها آنان رستگارند».

نکته: قرآن کریم بارها حمایت از پیامبر(ص) و نظام اسلامی تشکیل شده در مدینه را به صورت‌های مختلف مطرح می‌کند و حتی اجازه جهاد و دفاع از مدینه را در جنگ‌هایی مثل احد و احزاب صادر کرد آری حمایت و دفاع از رهبر اسلام و حکومت اسلامی بر همه مسلمانان واجب است.

جمع بندی: اهداف فوق در مورد دفاع از جهاد اسلامی از قرآن قابل استنباط است البته ممکن است این اهداف به دو قسم اصلی و فرعی تقسیم شود و یا برخی عناوین فرعی مثل گسترش عدالت به آنها اضافه شود (که در ضمن مباحث اشاره شد).

امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز به اهداف دفاع و جهاد اسلامی فوق به صورت‌های مختلف اشاره کرده‌اند از جمله:

دفاع از ملت، مسلمانان و مظلومان از اصول ماست: «بنابراین، اصول، اصول ثابتی است. عدالت، مردم‌سالاری، استقلال، دفاع از حقوق ملت در همه زمینه‌ها، دفاع از حقوق مسلمانان عالم، دفاع از هر مظلومی در هر نقطه عالم؛ اینها جزو اصول ماست.

به جنگ و جهاد و دفاع مسلمانان موثر است.

ب) نقش قرآن در سیاست‌گذاری دفاعی:

قرآن کریم و احادیث تفسیری اهل‌بیت سیاست‌ها و اصول کلی دفاع را بیان می‌کند همانطور که احکام (حلال و حرام) را بیان می‌کند یعنی قرآن کریم جنگ و دفاع را قانونمند می‌سازد. در اینجا به مهمترین سیاست‌های دفاعی قرآن کریم اشاره می‌کنیم:

۱- آمادگی همه جانبه برای دفاع: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» (انفال، ۶۰). «و هر چه در توان دارید، از نیرو و از اسب‌های آماده، برای (مقابله با) آن (دشمن) آن، آماده سازید؛ در حالی که بدان دشمن خدا و دشمن‌تان و (هم‌چنین) گروه دیگری غیر از این‌ها را - که [شما] آنان را نمی‌شناسید [و] خدا آنها را می‌شناسد - بترسانید؛ و هر چه در راه خدا مصرف می‌کنید، به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود، در حالی که به شما ستم نخواهد شد».

واژه‌ی «قُوَّة» به معنای قدرت و نیروست، اما این کلمه کوچک و پرمعنا شامل انواع وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصر و تمام نیروها و امکانات مادی و معنوی می‌شود. جالب این است که این واژه یک معنای سیال دارد که در طی زمان کهنه نمی‌شود و در هر عصری مصادیق نو می‌یابد و شامل سلاح‌های جدید می‌شود و این یکی از رمزهای جاودانگی دفاع اسلامی است. در برخی احادیث آمده است که مقصود از قُوَّة، «تیر یا شمشیر و سپر و یا هرگونه اسلحه و نیز سیاه کردن موهای سفید سربازان است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق) (تا سربازان را جوان‌تر نمایش دهد)».

البته این احادیث مصداق‌ها و موارد قوت را بیان می‌کنند، وگرنه مفهوم قوت شامل همه قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، تبلیغاتی و نظامی می‌شود که می‌تواند در برابر دشمن حالت بازدارنده داشته باشد. حکایت شده است که در جنگ «حُنَین» به پیامبر(ص) خبر دادند که سلاح تازه و مؤثری در «یَمَن» اختراع شده است. پیامبر(ص) فوراً کسانی را به آنجا فرستادند تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند (مکارم

شیرازی و همکاران، ۱۳۶۴ش).

البته این که در آیه فوق پس از بیان قوت، مسئله «اسب‌های ورزیده و آماده» را بیان کرد، از باب ذکر خاص پس از عام است؛ یعنی یک دستور عام برای همه عصرها و سپس دستوری خاص برای آن عصر بیان نمود؛ چرا که اسب در میدان‌های نبرد آن روزگار نقش تانک و زره‌پوش امروز را داشت. البته این احتمال نیز هست که مقصود از این واژه محافظت مرزها باشد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۴ش). در این آیه اهداف آمادگی نظامی و جهاد اسلامی را دو چیز بیان کرد:

الف) بازدارندگی و به هراس انداختن دشمنان خدا و مردم؛

ب) تلاش در راه خدا (و در مسیر احیای حق و عدالت). یعنی آمادگی نظامی و جهاد اسلامی برای تصاحب اموال و سرزمین دیگران یا استعمار و استثمار آنان و با انگیزه‌های شخصی و غارتگری نیست. نکته دیگر در این آیه آن است که واژه «دشمن خدا» با «دشمن مردم» همراه شده است تا نشان دهد که دشمنی کافران با مردم مسلمان در حقیقت همان دشمنی با خداست و هدف جهاد، حفظ مردم و توحید است.

آری دشمنان حق و عدالت و استقلال و آزادی ملت‌ها براساس منطقی و اصول انسانی عمل نمی‌کنند، بلکه در صورتی که ملت‌های مسلمان ضعیف باشند، هرگونه بتوانند، نظرهای خود را بر آنان تحمیل می‌کنند؛ از این روست که مسلمانان نیاز به یک نیروی نظامی قوی و بازدارنده دارند که دشمنان را به هراس اندازد. اگر مسلمانان به همین آیه قرآن عمل می‌کردند، امروز کشورهای اسلامی این گونه مورد تهاجم استکبار جهانی قرار نمی‌گرفت.

در این آیه به دشمنان ناشناخته‌ای اشاره شده است که خدا از آنها خبر دارد ولی مردم خبر ندارند. مقصود از دشمنان ناشناخته در این آیه، یا یهودیان مدینه و یا منافقان و یا دشمنان آینده اسلام، یعنی ابرقدرت‌های روم و دربار ساسانیان هستند.

البته ممکن است آیه فوق شامل همه این موارد و دشمنان ناشناخته مسلمانان در طول تاریخ بشود. نکته دیگر آیه اینکه از واژه «شیء» استفاده می‌شود

خالی می‌کردند تا مسلمانان طواف کعبه را به جا آورند. ولی آنان خیال داشتند در ماه حرام، که جنگ ممنوع است، غافل‌گیرانه به مسلمانان حمله کنند. مسلمانان نیز نگران عهدشکنی مشرکان و ممانعت آنان از برگزاری مراسم عبادی عمره و برافروخته شدن جنگ در ماه حرام بودند. در این هنگام آیه فوق نازل شد و دستور داد که اگر دشمن در ماه حرام نبرد را شروع کرد، شما هم در برابر او به مبارزه برخیزید؛ و نقشه آنان را افشا و بی‌نتیجه کرد (فیض کاشانی، ۱۴۲۰). آیه فوق به مسلمانان اجازه می‌دهد که اگر دشمنان در ماه حرام به شما حمله کردند با آنان بجنگید. از این مطلب استفاده می‌شود که حفظ اسلام و جان مسلمانان مهم‌تر از حفظ احترام ماه‌های حرام است؛ و در قوانین اسلامی بن بست وجود ندارد. و نیز آیه فوق قانون مقابله به مثل را به شکل عام و کلی بیان کرده و به مسلمانان اجازه داده که با ستمگر به هر اندازه‌ای که تجاوز کرده مقابله شود. خدای متعال در آیه اول به مسلمانان اجازه می‌دهد که با کافران مقابله به مثل کنند و همان‌طور که آنان مسلمانان را از مکه تبعید کردند، مسلمانان نیز کافران را اخراج کنند؛ البته این یک قانون کلی است و مخصوص اهل مکه نیست (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ ش).

این قانون در حقیقت قانون آفرینش است و حتی گلبول‌های بدن نیز در مقابل میکروب‌های مهاجم می‌ایستند و از تجاوز آنها به کشور بدن جلوگیری می‌کنند و گیاهان و جانوران نیز این دفاع طبیعی را دارند. قانون مقابله به مثل قرآن برخلاف مطالب انجیل کنونی مسیحیان است که می‌گوید: «من به شما می‌گویم با شریر مقاومت نکنید، بلکه هر که بر رخساره راست تو طپانچه (یعنی سیلی) زد دیگری را نیز به‌سوی او بگردان» (انجیل متی).

آری اسلام ظلم‌پذیری را مردود می‌شمارد و دستور می‌دهد که هر کس به شما ستم کرد با او مقابله‌ی به مثل کنید. نکته دیگر اینکه رعایت عدالت و مساوات، حتی در مقابل ستمگران و هنگام مقابله به مثل لازم است و نباید بیش از اندازه‌ای که آنان ستم کردند به آنان تعدی شود.

«ذَلِكُمْ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوِقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ

که کمک به جبهه‌ها منحصر در کمک‌های مالی نیست، بلکه هر کس می‌تواند از راه مال، جان، فکر، قلم، زبان، آبرو و اطلاعات کمک کند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۴ ش).

۲- دفاع در هر مکان: «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقَفْتُمُوهُمْ وَأَخْرَجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجَكُمْ» (بقره، ۱۹۱) «و هر کجا آنان را یافتید، بکشیدشان؛ و از جایی که شما را بیرون راندند، آنان را بیرون کنید». خدای متعال در این آیه وظایف مسلمانان را در برابر کافران و مشرکان مکه روشن ساخته است؛ مشرکانی که مسلمانان را از خانه و زندگی خود در مکه آواره ساختند و هر نوع اذیت و آزاری درباره آنها روا داشتند.

این آیات به مسلمانان اجازه وسیعی می‌دهد که به تعقیب کافران مکه بپردازند و هر جا دسته‌ای از آنان را آماده مبارزه یافتند، به قتل برسانند و همان‌گونه که آنان مسلمانان را آواره کردند، اینان نیز آنها را از مکه بیرون کنند؛ البته این آیات در مورد روش برخورد با کافران مکه است و همچنین شامل همه کافرانی می‌شود که شرایطی همانند آنان را دارند (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ ش).

۳- مقابله به مثل با دشمن: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره، ۱۹۰). «و در راه خدا، با کسانی که با شما پیکار می‌کنند، بجنگید؛ و از حد تجاوز نکنید، که خدا تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد».

- «وَأَخْرَجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجَكُمْ» (بقره، ۱۹۱) «و از جایی که شما را بیرون راندند، آنان را بیرون کنید».

- «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (بقره، ۱۹۴). «(جنگ) ماه حرام، در برابر (جنگ) ماه حرام. و تمام حرام‌ها (قابل) قصاص است. و هر کس بر شما تجاوز کرد، پس همانند آن تجاوزی که بر شما روا داشته، بر او تجاوز کنید. و خودتان را از [عذاب] خدا ننگه دارید و بدانید که خدا با خود ننگه‌داران است».

حکایت شده است که سال بعد از صلح حدیبیه مسلمانان آماده رفتن به مکه و برگزاری عمره شدند و مشرکان طبق عهدنامه صلح می‌بایست سه روز مکه را

و به اصلاح منتهی شود و ستمکاران از آن سوءاستفاده نکنند (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ ش).

۳- ممنوعیت تجاوز و سرکشی و ستمکاری: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفْتُلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره، ۱۹۰) «و در راه خدا، با کسانی که با شما پیکار می‌کنند، بجنگید؛ و [از حد] تجاوز نکنید، که خدا تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد». از آنجاکه در جنگ، زمینه‌ی تجاوزگری وجود دارد، قرآن کریم حدود و ابعاد جنگ را مشخص می‌سازد و می‌فرماید: «از حد تجاوز نکنید».

آری، جنگ‌های مسلمانان برای خدا و در راه اوست و برخلاف جنگ‌های بشری، اصول اخلاقی در آن‌ها رعایت می‌شود. اسلام به سربازان توصیه می‌کند که باغ‌ها و درختان را از بین نبرند، با مواد سمی (و میکروبی و شیمیایی) آب‌های آشامیدنی را آلوده نسازند و به افرادی که اسلحه را بر زمین گذارده‌اند

ستم نکنند (دشتی، ۱۳۸۸).

«قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَإِنَّهُمُ وَالْبَغْيِ بَعْضُهُ الْإِثْمُ وَالْإِثْمُ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف، ۳۳). «بگو: «پروردگار من، تنها [کارهای] زشت را، آنچه آشکار است از آنها و آنچه پنهان است، و (هم‌چنین) گناه و ستم به ناحق را حرام کرده است؛ و (نیز) این‌که چیزی را که [پروردگار] دلیلی بر (حقانیت) آن فرو نرسانده، شریک خدا قرار دهید و این‌که چیزی را که نمی‌دانید، به خدا نسبت دهید.»».

«بغی» در اصل به معنای کوشش برای به دست آوردن چیزی است، ولی غالباً به کوشش‌هایی گفته می‌شود که برای غصب حق دیگران است؛ از این‌رو مفهوم آن غالباً با ستم مساوی است؛ و تعبیر «غیر الحق» هم برای تأکید و توضیح آمده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۴ ش).

« وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ * وَلَمَنْ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ * إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ » (شوری، ۴۰-۴۲) «و کیفر بدی (مجازات) بدی همانند آن است؛ و هر کس ببخشد

لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ» (حج، ۶۰). «(حکم خدا) این است، و هر کس همانند چیزی که بدان مجازات شده، کیفر دهد، سپس بر او ستم شود، قطعاً، خدا او را یاری خواهد کرد؛ مسلماً، خدا بخشاینده [و] بسیار آمرزنده است».

حکایت شده است که گروهی از مشرکان مکه در ماه محرم الحرام با مسلمانان روبه‌رو شدند و در حالی که دو روز به پایان ماه حرام باقی بود، تصمیم گرفتند با آنان پیکار کنند؛ چرا که می‌دانستند مسلمانان در این ماه جنگ را حرام می‌دانند. مسلمانان از آنان خواستند که در ماه محرم جنگ نکنند، ولی این اصرار سودی نبخشید و جنگ آغاز شد و مسلمانان از خود دفاع کردند و در نهایت پیروز شدند. آیه فوق بدین مناسبت فرود آمد و مقابله به مثل مظلومان با ستمکاران را تأیید کرد (محقق، ۱۳۵۹ ش؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، سیوطی، ۱۴۲۱).

مقابله به مثل و دفاع در برابر ستم، حق طبیعی انسان است و هرکس مجاز است که در برابر ستم دیگران مقابله به مثل کند. البته در هنگام مقابله با ستم، نباید از حد تجاوز کرد، بلکه باید به همان اندازه که به مظلوم ستم شده، ظالم را کیفر داد. اگر مظلوم در مقام دفاع از خویشتن برآمد و باز هم به او ستم شد، خدا او را یاری می‌کند. البته شرط یاری الهی آن است که خود مظلوم تن به ستم ندهد و سکوت نکند، وگرنه از یاری الهی خبری نخواهد بود. پس یاری خدا مخصوص مظلومانی است که به دفاع از خویشتن برمی‌خیزند (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ ش).

«وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (شوری، ۴۰) «و کیفر بدی (مجازات) بدی همانند آن است؛ و هر کس ببخشد و اصلاح نماید، پس پاداش او بر خداست؛ [چرا] که او ستمکاران را دوست ندارد». قرآن کریم به خاطر آن که جامعه انسانی به‌سوی محبت و انسجام و آرامش پیش برود و کینه‌ها پابرجا نشود، بارها تأکید کرده است که بهتر است از خطاهای دیگران درگذرید و با عفو و گذشت کارها را اصلاح کنید و این عفو را کار پرارزش و نشانه عزم راسخ افراد معرفی می‌کند. البته عفو بدکاران در صورتی است که از موضع قدرت باشد

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ» (بقره/۲۱۷) «از تو درباره جنگ در ماه حرام می‌پرسند؛ بگو: «جنگ در آن، (گناهی) بزرگ است؛ و جلوگیری از راه خدا و کفر ورزیدن به او». اسلام برای چهار ماه حرام احترام خاصی قائل است. در این چهار ماه جنگ ممنوع است و صلح کلی برقرار است؛ البته احترام ماه‌های حرام در برابر کسانی لازم است که آنها را محترم شمارند، در غیر این صورت جنگ با آنان جایز است.

۶- **عدم تعرض به کودکان و زنان در جنگ:** «يُقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يِقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره، ۱۹۰). «و در راه خدا، با کسانی که با شما پیکار می‌کنند، بجنگید؛ و از حد تجاوز نکنید، که خدا تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد». جمله دوم آیه که می‌فرماید: «با کسانی نبرد کنید که با شما می‌جنگند»، با صراحت طرف جنگ مسلمانان را مشخص می‌سازد و بیان می‌کند که تا وقتی دشمنان دست به اسلحه نبرده‌اند مسلمانان پیش‌دستی نکنند (به استثنای موارد خاصی که در آیات جهاد بدان اشاره خواهد شد). در ضمن، از این قسمت آیه استفاده می‌شود که در جنگ‌ها نباید به غیر نظامیان (به‌ویژه زنان و کودکان) حمله کرد؛ چرا که آنان به جنگ برخاسته‌اند (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ ش).

۷- **حفظ محیط زیست و نابود نکردن آن:** یکی از مقررات قرآن آن است که مسلمانان حق ندارند کشاورزی را نابود کنند که این کار فساد در زمین به شمار می‌آید. «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُكُ قَوْلَهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ* وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفٰسَادَ» (بقره، ۲۰۴-۲۰۵) «و از مردم کسی است که گفتارش در زندگی پست (دنیا) تو را شگفت‌زده می‌کند، و خدا را بر آنچه در دلش دارد گواه می‌گیرد و حال آن‌که او، سرسخت‌ترین دشمنان است؛ و هنگامی که روی برمی‌تابد [یا به حکومت می‌رسد] در زمین می‌کوشد تا در آن فساد کند؛ و زراعت و نسل را نابود می‌سازد؛ و خدا تباهاکاری را دوست نمی‌دارد».

حکایت شده است که منافقی خوش‌بین و زیباروی به

و اصلاح نماید، پس پاداش او بر خداست؛ [چرا] که او ستمکاران را دوست ندارد؛ و هر کس که بعد از ستم (دیدگی) اش یاری جوید (تا آن را دفع کند)، پس آنان هیچ راهی (برای ایراد) بر ایشان نیست؛ راه سرزنش فقط بر کسانی است که به مردم ستم می‌کنند و در زمین به ناحق (تجاوز به حقوق و...) ستم می‌کنند؛ آنان برایشان عذابی دردناک است».

«ظلم» در این جا به معنای ستم به مردم، «بغی» به معنای کوشش برای تجاوز به حقوق مردم و حدود الهی است که شامل ستم نیز می‌شود و تعبیر «بغیر الحق» تأکید بر آن است (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ ش). قرآن کریم همان‌طور که با ظلم به سختی مبارزه می‌کند، ظلم‌پذیری را نیز رد می‌کند و به مظلومان اجازه می‌دهد که از دیگران یاری بخواهند و با ستمکاران مقابله کنند.

عبارت «خدا ستمکاران را دوست ندارد»، هشدار است به کسانی که مقابله به مثل می‌کنند، تا از حد اعتدال خارج نشوند و نیز اشاره به آن است که عفو بدکاران به معنای دوست داشتن ستمکاران و حمایت از آنان نیست.

و نیز اشاره‌ای به ستمکاران است که دست از کارهای بد خود بردارند و فکر نکنند همیشه با عفو مواجه می‌شوند.

۵- **احترام به مکان و زمان مقدس در جنگ:** «وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يَقَاتِلَوكُمْ فِيهِ فَإِن قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذٰلِكَ جَزَاءُ الْكٰفِرِيْنَ» (بقره، ۱۹۱) «و در کنار مسجدالحرام با آنان پیکار مکنید، مگر این‌که در آن جا با شما بجنگند. و اگر با شما پیکار کردند، پس آنها را بکشید. سزای کافران چنین است». در آغاز آیه اشاره شده که حفظ احترام مسجدالحرام در هر شرایطی لازم است، مگر هنگامی که دشمن بخواهد با سوءاستفاده از این حرم امن و مکان مقدس، خون مسلمانان را بر زمین بریزد که در این صورت قاعده‌ی «اهم و مهم» جاری می‌شود؛ یعنی مسئله‌ی مهم امنیت و حفظ احترام مسجدالحرام، فدای مسئله‌ی مهم‌تر حفظ خون مسلمانان می‌شود و جنگ در مسجدالحرام جایز خواهد بود (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ ش).

نام «اخنس بن شریق» ظاهراً خود را مسلمان و دوست پیامبر(ص) جلوه می‌داد و هرگاه نزد پیامبر(ص) می‌آمد سوگند می‌خورد که دوستدار اوست و به خدا ایمان دارد. پیامبر اسلام(ص) نیز با او به گرمی سخن می‌گفت و او را مورد لطف خویش قرار می‌داد. اما هنگامی که بین این منافق و قبیله‌ی «ثقیف» دشمنی پیدا شد، بر آنان شبیخون زد و حیوانات آنها را کشت و محصولات کشاورزی‌شان را به آتش کشید؛ و حتی برخی مفسران نوشته‌اند که به محصولات و حیوانات مسلمانان نیز خسارات مشابهی وارد کرد (سیوطی، ۱۴۲۳ق).

آیات فوق در این هنگام نازل شد و پرده از کار منافقان برداشت و دشمنی و فسادانگیزی آنان را گوشزد کرد و اشاره کرد که اگر اینان در گفته‌های خود راست‌گو بودند، دست به فساد و تخریب نمی‌زدند؛ چرا که همه می‌دانند خدا فساد را دوست ندارد. البته شأن نزول یا داستان نزول آیات موجب انحصار آیه در مورد فرد خاصی نمی‌شود و درس و پیام آیه همگانی و همیشگی است؛ پس آیه فوق نیز یک آموزه همگانی و همیشگی دارد و صفات منافقان را برمی‌شمارد. این امر به مسلمانان کمک می‌کند تا منافقان هر زمان را بهتر بشناسند و با حیل‌های آنها برخورد کنند. در ضمن از این آیه استفاده می‌شود که نابودی نسل بشر (مثل نابودی زنان و کودکان در جنگ‌ها) از مصادیق فساد در زمین است که خداوند دوست ندارد از این روست که سلاح‌های کشتار جمعی ممنوع است.

«مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَيْتَةٍ أَوْ نَزَعْتُمْهَا فَأِنَّهُمْ عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخِزِيَ الْفَاسِقِينَ» (حشر، ۵) «آنچه از درخت خرما ممتاز که قطع کردید یا آنها را ایستاده بر ریشه‌هایش واگذاشتید، پس به رخصت خدا بود؛ و برای این بود که نافرمانان را رسوا کند». مفسران حکایت کرده‌اند که در هنگام محاصره دژهای یهودیان بنی‌نضیر، برخی از مسلمانان اقدام به قطع درختان خرما در اطراف آن قلعه‌ها کردند. شاید این کار برای ایجاد فضای گسترده برای افزودن قدرت مانور رزمندگان در جنگ و یا برای تحریک یهودیان بود تا از قلعه‌ها بیرون بیایند، چون یهودیان وارد دژهای محکم خود شده بودند که تسلط بر آنها مشکل بود، ولی با

این حال، چون اموال و درختان خرما را بسیار دوست داشتند، ممکن بود به خاطر حفاظت آنها از قلعه‌ها بیرون بیایند.

یهودیان بنی‌نضیر از بالای قلعه‌ها به قطع درختان اعتراض کردند و گفتند: ای محمد! تو که این کارها را منع می‌کردی، پس این چه برنامه‌ای است که مسلمانان اجرا می‌کنند؟! در این آیات پاسخ آنان بیان شده که قطع درختان و منع از آن هر دو به خواست الهی بوده نه براساس هوای نفس کسی (فخر رازی، ۱۴۲۰ق؛ رازی، ۱۳۶۷؛ زمخشری، ۱۳۸۵ق؛ سیوطی، ۱۴۲۳ق). یکی از قوانین جنگ در اسلام این است که به هنگام حمله به دشمن نباید درختان را قطع کرد و زراعت‌ها را آتش زد و حیوانات را کشت، ولی این کار در جنگ با بنی‌نضیر اتفاق افتاد؛ چرا که قطع درختان خرما را یهودیان برای آماده‌سازی فضای نبرد و یا بیرون کشیدن دشمن از قلعه و تسریع در پیروزی مؤثر و ضروری بود. بنابراین در قرآن سخن از قطع درختان در جنگ بخاطر ضرورت نظامی شده است لیکن دستور کلی اسلام بر ممنوعیت زیان‌رسانی به طبیعت و محیط زیست حتی در حال جنگ است.

۸- معافیت افراد کم‌توان از جنگ ابتدایی نه دفاع: «لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَمَنْ يَبِعِ اللَّهَ وِرْسُولَهُ يَدْخُلْهُ جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يَعْذِبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا» (فتح، ۱۷) «هیچ تنگی (و تکلیفی) بر نابینا نیست و (نیز) هیچ تنگی (و تکلیفی) بر لنگ نیست، و (نیز) بر بیمار هیچ تنگی (و تکلیفی) نیست؛ و هر کس از خدا و فرستاده‌اش اطاعت کند، او را در بوستان‌های (بهشتی) وارد می‌کند که از زیر آدرختان‌اش نهرها روان است؛ و هر کس روی برتابد با عذاب دردناکی او را عذاب می‌کند».

حکایت شده است که پس از برخورد شدید با متخلفان از جهاد و وعده‌ی عذاب آنان، گروهی از معلولین یا بیماران خدمت پیامبر(ص) رسیدند و تکلیف خود را جویا شدند و بدین مناسبت آیه فوق فرود آمد و چند دسته را از جهاد معاف کرد (محقق، ۱۳۵۹ش). در این آیه به افرادی اشاره می‌کند که از شرکت در جهاد ناتوانند و از این‌رو معذور هستند؛ افراد نابینا، مریض

وسيله مبارزه ندارند، از شرکت در جنگ معافند، و این یک قانون عقلی و منطقی است که در اسلام نیز بر آن تأکید شده است. مقصود از «ضَعْفَاء» در آیه افرادی هستند که بر اثر پیری یا نقص عضو و یا نابینایی ناتوان شده‌اند. واژه‌ی «حَرَج» در اصل به معنای مرکز اجتماع چیزی است و از آنجاکه اجتماع با تنگی و کمبود جا همراه است، این واژه به معنای «تنگی، ناراحتی، مسئولیت و تکلیف» نیز آمده است، و در این آیه به همین معنای تکلیف و مسئولیت است.

واژه «نَصْحُوا» کلمه جامعی است که هرگونه خیرخواهی و اقدام مخلصانه و نصیحت را شامل می‌شود. آیه شرط معافیت این سه گروه و وظیفه آنان را در پشت جبهه چنین بیان کرده است که باید با رفتار و سخنان خود مجاهدان را تشویق کنند و در تضعیف روحیه دشمن بکوشند. از این آیه استفاده می‌شود که به طور کلی هیچ‌کس از همکاری با مجاهدان راه خدا معاف نیست و هرکس نمی‌تواند اسلحه بردارد، با زبان و تبلیغ و کردار خود پشتیبان رزمندگان باشد.

داستان نزول آیه اخیر (توبه، ۹۲) این‌گونه حکایت شده که هفت نفر از افراد فقیر مدینه خدمت پیامبر (ص) رسیدند و تقاضا کردند که وسیله‌ای برای شرکت در جهاد در اختیار آنان بگذارد، اما چون پیامبر (ص) وسیله‌ای نداشت، پاسخ منفی داد و آنان با چشمان اشک‌آلود از خدمت ایشان خارج شدند و به نام «بکاءون» یعنی گریه‌کنندگان مشهور شدند (فیض کاشانی، ۱۴۱۶ق؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۴ش).

از آیه ۹۲ توبه استفاده می‌شود که گروهی از یاران پیامبر (ص) عاشق جهاد بودند، آن‌گونه که از معاف شدن خوشحال نمی‌شدند، بلکه از شدت ناراحتی چشمانشان اشک‌آلود می‌گشت. براساس آیه فوق، افراد بی‌بهره از توان مالی و وسایل لازم برای شرکت در جنگ، نزد پیامبر می‌آمدند و با اصرار از ایشان وسایل می‌خواستند، و این نهایت علاقمندی آنان به جنگ را نشان می‌دهد و همین مطلب رمز پیروزی مسلمانان در صدر اسلام بود و اکنون نیز می‌تواند سبب سرافرازی مسلمانان شود (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ش).

۹- در جنگ پیش‌دستی نکنید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفْتُلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ

و کسانی که نقص عضو دارند نمی‌توانند به خوبی با دشمن جهاد کنند و شرط عمومی تکلیف، یعنی قدرت را ندارند و لزوم این شرط براساس عقل و نقل (بقره، ۲۸۶) اثبات شده است.

نکته دیگر آن است که معذور بودن افراد فوق برای شرکت در جهاد است، اما در هنگام دفاع از حریم اسلام و مسلمانان، همه وظیفه دارند در جنگ شرکت کنند و لازم است که هرکس به اندازه‌ی توان خود دفاع کند و استثنایی در این مورد وجود ندارد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۴ش). یعنی افرادی که از شرکت در نبرد معافند، باید به اندازه توان در پشت جبهه بکوشند یعنی با زبان خیرخواهی کنند (توبه، ۹۱) و یا با شرکت در حرکت‌های تبلیغاتی دیگران را به شرکت در جنگ تشویق کنند و ... (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ش).

«لَيْسَ عَلَى الضَّعْفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ * وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَأَجِدَنَّ مَا أُحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضٌ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يَنْفِقُونَ» (توبه، ۹۱-۹۲) «بر کم‌توانان و بر بیماران و بر کسانی که چیزی را نمی‌یابند که (در راه جهاد) مصرف کنند، هیچ تنگی (و تکلیفی) نیست، هنگامی که برای خدا و فرستاده‌اش خیرخواهی کنند؛ بر نیکوکاران هیچ راه (مؤاخذه‌ای) نیست؛ و خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است؛ و (نیز تکلیفی نیست) بر کسانی که وقتی نزد تو آمدند تا سوارشان کنی، گفتی: «چیزی نمی‌یابم که شما را بر آن سوار کنم.» (آنان) روی برتافتند، در حالی که در اثر اندوه، اشک از چشمانشان سرازیر می‌شد، به خاطر این‌که چیزی نمی‌یابند که (در راه خدا) مصرف کنند».

داستان نزول آیه فوق این‌گونه حکایت شده است که یکی از یاران پیامبر (ص) خدمت ایشان عرض کرد: من نابینا (و ناتوانم و حتی کسی را ندارم که دست مرا بگیرد و به میدان جهاد بیاورد)، آیا من معذورم؟ حضرت سکوت کرد و این آیه فرود آمد و تکلیف این‌گونه افراد را روشن ساخت (محقق، ۱۳۹۵ش). این آیه بیان کرده که سه گروه ناتوانان، بیماران و افرادی که

این تفکر سرچشمه برخی از جنگ‌های خونین در قرن اخیر شده است. آری، انسان دارای عقل است و تکامل او در سایه تعاون و همکاری خردمندان و صلح صورت می‌گیرد.

«وَأَنْتُمْ عَلَيَّ كَافِرِينَ» (بقره، ۱۹۰-۱۹۱).
«و در راه خدا، با کسانی که با شما پیکار می‌کنند، بجنگید؛ و [از حد] تجاوز نکنید، که خدا تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد؛ و هر کجا آنان را یافتید، بکشیدشان؛ و از جایی که شما را بیرون راندند، آنان را بیرون کنید. و (بدی) آشوبگری [شُرک]، از کشتار [هم] شدیدتر است. و در کنار مسجدالحرام با آنان پیکار نکنید، مگر این‌که در آن‌جا با شما بجنگند. و اگر با شما پیکار کردند، پس آنها را بکشید. سزای کافران چنین است.»
جمله دوم آیه که می‌فرماید: «با کسانی نبرد کنید که با شما می‌جنگند»، با صراحت طرف جنگ مسلمانان را مشخص می‌سازد و بیان می‌کند که تا وقتی دشمنان دست به اسلحه نبرده‌اند مسلمانان پیش‌دستی نکنند (به استثنای موارد خاصی که در آیات جهاد بدان اشاره خواهد شد). در آیات فوق دستور داده شد که مسلمانان در اصل جنگ پیش‌دستی نکنند و در این آیه می‌فرماید که در شکستن حریم مقدسات نیز پیش‌دستی نکنند و تا وقتی دشمن نزد مسجدالحرام دست به حمله نزد، مسلمانان در آنجا جنگ نکنند (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ش).

«وَأَنْتُمْ عَلَيَّ كَافِرِينَ» (بقره، ۱۹۲). «و اگر خودداری کردند، پس در واقع خدا بسیار آمرزنده مهرورز است.» در این آیه راه بازگشت و توبه را برای دشمنان اسلام می‌گشاید و می‌گوید: اگر مشرکان دست از جنگ با شما برداشتند و توبه کردند، خدا گناهان گذشته آنان را می‌آمرزد و با لطف خویش توبه آنان را می‌پذیرد و در این صورت مسلمانان حق ندارند کینه‌ورزی کنند و آنان را قتل عام کنند (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ش). تذکر: قرآن کریم دستور می‌دهد که هرگاه در میدان جنگ نشانه‌های پیروزی شما آشکار شد دیگر دشمنان را نکشید بلکه آنها را زنده بگذارید و اسیر بگیرید تا تکلیف آنها روشن شود.

«وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» (نساء، ۱۲۸) «و صلح بهتر است.» آیه فوق در حالی که به صلح و آشتی خانوادگی اشاره می‌کند، یک قانون کلی و عمومی را نیز بیان می‌کند و آن این است که در همه جا اصل، صلح و صفا و دوستی و سازش است و نزاع و کشمکش و جدایی برخلاف طبع سلیم انسان است و جز در موارد ضروری نباید به آن متوسل شد (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ش). این دیدگاه قرآنی برخلاف دیدگاه برخی مادی‌گرایان است که اصل نخستین را در زندگی بشر، تنازع بقا و کشمکش می‌دانند و آن را مقدمه تکامل می‌شمارند.

«وَأَنْتُمْ عَلَيَّ كَافِرِينَ» (بقره، ۱۹۰-۱۹۱).
«و در راه خدا، با کسانی که با شما پیکار می‌کنند، بجنگید؛ و [از حد] تجاوز نکنید، که خدا تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد؛ و هر کجا آنان را یافتید، بکشیدشان؛ و از جایی که شما را بیرون راندند، آنان را بیرون کنید. و (بدی) آشوبگری [شُرک]، از کشتار [هم] شدیدتر است. و در کنار مسجدالحرام با آنان پیکار نکنید، مگر این‌که در آن‌جا با شما بجنگند. و اگر با شما پیکار کردند، پس آنها را بکشید. سزای کافران چنین است.»
جمله دوم آیه که می‌فرماید: «با کسانی نبرد کنید که با شما می‌جنگند»، با صراحت طرف جنگ مسلمانان را مشخص می‌سازد و بیان می‌کند که تا وقتی دشمنان دست به اسلحه نبرده‌اند مسلمانان پیش‌دستی نکنند (به استثنای موارد خاصی که در آیات جهاد بدان اشاره خواهد شد). در آیات فوق دستور داده شد که مسلمانان در اصل جنگ پیش‌دستی نکنند و در این آیه می‌فرماید که در شکستن حریم مقدسات نیز پیش‌دستی نکنند و تا وقتی دشمن نزد مسجدالحرام دست به حمله نزد، مسلمانان در آنجا جنگ نکنند (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ش).

«وَأَنْتُمْ عَلَيَّ كَافِرِينَ» (بقره، ۱۹۲). «و اگر خودداری کردند، پس در واقع خدا بسیار آمرزنده مهرورز است.» در این آیه راه بازگشت و توبه را برای دشمنان اسلام می‌گشاید و می‌گوید: اگر مشرکان دست از جنگ با شما برداشتند و توبه کردند، خدا گناهان گذشته آنان را می‌آمرزد و با لطف خویش توبه آنان را می‌پذیرد و در این صورت مسلمانان حق ندارند کینه‌ورزی کنند و آنان را قتل عام کنند (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ش). تذکر: قرآن کریم دستور می‌دهد که هرگاه در میدان جنگ نشانه‌های پیروزی شما آشکار شد دیگر دشمنان را نکشید بلکه آنها را زنده بگذارید و اسیر بگیرید تا تکلیف آنها روشن شود.

«وَأَنْتُمْ عَلَيَّ كَافِرِينَ» (بقره، ۱۹۲). «و اگر خودداری کردند، پس در واقع خدا بسیار آمرزنده مهرورز است.» در این آیه راه بازگشت و توبه را برای دشمنان اسلام می‌گشاید و می‌گوید: اگر مشرکان دست از جنگ با شما برداشتند و توبه کردند، خدا گناهان گذشته آنان را می‌آمرزد و با لطف خویش توبه آنان را می‌پذیرد و در این صورت مسلمانان حق ندارند کینه‌ورزی کنند و آنان را قتل عام کنند (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ش). تذکر: قرآن کریم دستور می‌دهد که هرگاه در میدان جنگ نشانه‌های پیروزی شما آشکار شد دیگر دشمنان را نکشید بلکه آنها را زنده بگذارید و اسیر بگیرید تا تکلیف آنها روشن شود.

«وَأَنْتُمْ عَلَيَّ كَافِرِينَ» (بقره، ۱۹۲). «و اگر خودداری کردند، پس در واقع خدا بسیار آمرزنده مهرورز است.» در این آیه راه بازگشت و توبه را برای دشمنان اسلام می‌گشاید و می‌گوید: اگر مشرکان دست از جنگ با شما برداشتند و توبه کردند، خدا گناهان گذشته آنان را می‌آمرزد و با لطف خویش توبه آنان را می‌پذیرد و در این صورت مسلمانان حق ندارند کینه‌ورزی کنند و آنان را قتل عام کنند (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ش). تذکر: قرآن کریم دستور می‌دهد که هرگاه در میدان جنگ نشانه‌های پیروزی شما آشکار شد دیگر دشمنان را نکشید بلکه آنها را زنده بگذارید و اسیر بگیرید تا تکلیف آنها روشن شود.

شریفه از آن تعبیر شده است به «تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»، «تُرْهَبُونَ بِهِ» یعنی چه؟ «تُرْهَبُونَ بِهِ» همان چیزی است که در ادبیات سیاسی امروز به آن «قدرت بازدارندگی» می‌گویند. جمهوری اسلامی در جایگاهی قرار می‌گیرد که دارای قدرت بازدارندگی است؛ دارای اقتدار بازدارنده است؛ می‌خواهند این اقتدار نباشد» (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)، ۱۳۹۶/۲/۲۰).

- ممنوعیت کشتار بی‌گناهان در جنگ: «جمهوری اسلامی ایران استفاده از سلاح هسته‌ای و شیمیایی و نظائر آن را گناهی بزرگ و نابخشودنی می‌داند» (بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، ۱۳۹۱/۶/۹). «فکر اسلامی ما می‌گوید سلاحی که در [کاربرد] آن، غیر مسلحین، غیر نظامی‌ها، و مردم عادی تلف می‌شوند، این سلاح ممنوع است. این سلاح ممنوع است؛ حالا هسته‌ای باشد یا شیمیایی باشد یا غیر اینها؛ این سلاح ممنوع است. ما به خاطر نظر اسلام است که نخواستیم دنبال این سلاح برویم» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۹/۱۲/۴).

«نه، ما اعتقاد به بمب اتم نداریم، به سلاح اتمی نداریم؛ دنبالش هم نخواهیم رفت. برطبق مبانی اعتقادی ما، مبانی دینی ما، به کار بردن اینگونه وسایل کشتار جمعی اصلاً ممنوع است، حرام است؛ این، ضایع کردن حرث و نسل است که قرآن آن را ممنوع کرده؛ ما دنبال این نمی‌رویم» (بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ساخت ناوشکن جماران، ۱۳۸۸/۱۱/۳).

- صلح پایدار مطلوب ماست: «ما که بار سنگین جنگ تحمیلی هفت ساله‌ای را بر دوش داریم از هر کسی به صلح تشنه‌تریم. اما صلح را، صلح پایدار را فقط در سایه‌ی مجازات تجاوزگری که گناه تجاوز را با گناهان فراوان دیگر در جنگ همراه کرده، قابل دسترسی می‌دانیم و بس» (بیانات در مجمع عمومی سازمان ملل، ۱۳۶۶/۶/۳۱).

- شروع کننده جنگ نبوده و نیستیم: «همچنان‌که در دفاع مقدس هشت سال بر ما جنگ را تحمیل کردند. ما که دنبال جنگیدن با همسایه‌مان نبودیم، بر ما تحمیل شد؛ حمله کردند. ما ابتدا حمله نمی‌کنیم؛ حتی در جایی که دفاع لازم نباشد، دفاع هم نمی‌کنیم؛

آنان) تاوان بگیرید، تا این‌که جنگ بارهای سنگینش را (بر زمین) نهد، این (فرمان خداست)؛ و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، حتماً از آنان انتقام می‌گرفت، ولیکن (می‌خواهد) تا برخی از شما را با برخی [دیگر] بیازماید؛ و کسانی که در راه خدا کشته شدند، پس (خدا) اعمالشان را گم نمی‌کند».

آری یکی از وظایف مسلمانان اسیر کردن دشمنان، پس از غلبه در جنگ معرفی شده است؛ یعنی هنگامی که پیروزی مسلمانان در میدان نبرد آشکار و مسلم شد، (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۴ ش؛ ابن منظور، ۱۴۱۰ق) دیگر لازم نیست کافران را بکشند بلکه آنان را اسیر کنند تا زنده بمانند، ولی در حین جنگ رزمندگان نمی‌توانند مشغول اسیران شوند؛ چرا که در بند کردن و تخلیه آنها به پشت جبهه، آنها را از وظیفه اصلی که نبرد است بازمی‌دارد و ممکن است جبهه‌ی اسلام را ضعیف و شکننده کند (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ ش).

جمع‌بندی: قرآن کریم اصول و سیاست‌های کلی در جنگ و دفاع را ترسیم کرده است که موجب می‌شود جهاد و دفاع اسلامی بر اصولی منطبق استوار شود که با فطرت انسان سازگار است. امام خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز در بیانات خود به عموم این اصول و سیاست‌های دفاعی قرآن اشاره و تأکید کرده است.

که به برخی موارد آنها اشاره می‌کنیم:

- «خب، «دولت مقاومت» یعنی چه؟ یعنی تسلیم زورگویی نشدن، تسلیم زیاده‌طلبی نشدن، در موضع اقتدار ایستادن. دولت مقاومت در موضع اقتدار قرار می‌گیرد. ببینید، دولت مقاومت نه اهل تجاوز است، نه اهل سلطه‌طلبی و دست‌اندازی به ملت‌ها و کشورها است، نه اهل فرو رفتن در لاک دفاعی و موضع انفعال است؛ هیچ‌کدام از اینها نیست. بعضی خیال می‌کنند اگر ما بخواهیم خودمان را از تهمت سلطه‌طلبی و اقتدارطلبی بین‌المللی و منطقه‌ای برکنار کنیم، باید برویم در لاک دفاعی؛ این جور نیست. در لاک دفاعی نمی‌رویم، در موضع انفعال قرار نمی‌گیریم، بلکه ما در موضع «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال، ۶۰) قرار می‌گیریم. در موضعی قرار می‌گیریم که در این آیه

«لَنْ بَسَطْتُ إِلَى يَدِكَ لَتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِي إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ»؛ (مائده، ۲۸) ما این‌جوری هستیم. آنجایی که دفاع لازم است، چرا، وارد عرصه‌ی دفاع می‌شویم» (بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور، ۱۳۹۴/۱۰/۱۴).

- مقابله به مثل با آسیب ندیدن مردم بی‌گناه: «ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروهای نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، پایبند به تعهدات اسلامی‌اند؛ نه در پیروزی طغیان می‌کنند، نه در هنگام خطر دست به کارهای ممنوع و ابزارهای ممنوع می‌زنند. مدت‌های طولانی شهرهای ما - چه شهرهای مرزی و چه بعداً حتی تهران و اصفهان و بسیاری از شهرهای دیگر- زیر تهاجم وحشیانه و کور موشک‌های صدامی قرار داشت؛ در محلات مختلف همین شهر تهران، موشک‌های صدامی می‌آمد؛ موشک‌هایی که به‌وسیله کشورهای اروپایی تجهیز و فروخته شده بود، به‌وسیله آمریکایی‌ها هدایت می‌شد؛ اهداف به آنها نشان داده می‌شد؛ اهداف نظامی با عکس‌برداری‌های هوایی در اختیار دشمن قرار می‌گرفت، این موشک‌ها می‌آمدند به شهرهای ما می‌خوردند و مردم بی‌دفاع را، مردم غیر نظامی را تارومار می‌کردند؛ خانه‌ها را ویران می‌کردند. ما بعد از گذشت مدتی توانایی پیدا کردیم که مقابله‌به‌مثل کنیم؛ ما هم توانستیم موشک به دست بیاوریم، ما هم توانستیم مقابله‌به‌مثل کنیم؛ می‌توانستیم شهرهایی را که در بُرد موشک ما بود - که از جمله‌اش خود بغداد بود- بزنیم؛ امام به ما گفتند که اگر خواستید به یک نقطه غیر نظامی - غیر پادگان و امثال اینها - بزنید، حتماً باید قبلاً به‌وسیله‌ی رادیو اعلام بکنید که ما می‌خواهیم فلان‌جا را بزنیم تا مردم کنار بروند. شما ملاحظه کنید؛ یک چنین تقیّداتی در دنیا معمول نیست» (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۴/۱/۳۰).

بررسی: بیان سیاست‌ها و اصول کلی جهاد و دفاع در قرآن کریم و بیانات امام‌خامنه‌ای (مدظله العالی) در جهت‌گیری دفاعی ایران و حتی مسلمانان دیگر موثر بوده و هست.

۱۱- قرآن وسیله دفاعی در جنگ نرم و تهاجم فرهنگی: قرآن کریم، اعجاز خدای متعال است که

بیش از ۸۰ وجه در اعجاز آن گفته شده که یکی از وجوه آن نفوذ در دل‌ها و جاذبه معنوی آن است (رضایی اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳ش). همانطور که اعجاز محتوایی آن با دلایل و مطالب عالی می‌تواند انقلاب فرهنگی ایجاد کند از این رو قرآن در مقابل تهاجم فرهنگی و جنگ نرم وسیله جهاد و دفاع مسلمانان در برابر دشمنان است که تاثیر زیادی در پیروزی علمی و معنوی دارد. شاید از این روست که این مطلب در قرآن «جهاد کبیر» خوانده شده است.

«فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان، ۵۲) «پس، از کافران اطاعت مکن و به وسیله آن (قرآن) با جهاد (فرهنگی) بزرگی با آنان مبارزه کن».

در اسلام از سه جهاد سخن گفته شده است:

الف) جهاد اصغر که همان مبارزه مسلحانه در میدان جنگ است.

ب) جهاد کبیر که همین مبارزه فرهنگی در برابر کافران است.

ج) جهاد اکبر که همان مبارزه با هوس‌ها و هواهای نفسانی و خودسازی است (محمدبن اشعث، بی‌تا؛ کلینی، ۱۴۰۷ق؛ شیخ صدوق، ۱۳۷۶ش؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق).

مقصود از «جهاد کبیر» در این آیه چیست؟ مسلماً، مقصود جهاد مسلحانه نیست؛ زیرا سوره فرقان مکی است و در مکه جهاد مسلحانه بر مسلمانان واجب نشده بود. پس مقصود جهاد فرهنگی، فکری و تبلیغاتی علیه کافران است که با کمک قرآن صورت می‌گیرد و مخالفان اسلام را در صحنه فرهنگی به شکست می‌کشاند. آری؛ اسلام از مسلمانان می‌خواهد که در برابر کافران دست به تهاجم فرهنگی بزنند.

در این آیات، قرآن، اسلحه جهاد کبیر معرفی شده است؛ زیرا:

- قرآن اسلحه‌ای فکری است که در صحنه جهاد فرهنگی کاملاً مؤثر است.

- قرآن دارای قدرت بیان، استدلال، جاذبه و تأثیر عمیق است.

- قرآن روشنی‌بخش، آرام‌بخش و حرکت‌آفرین است.

دیدگاه امام‌خامنه‌ای (مدظله العالی) در مورد جهاد فرهنگی و جنگ نرم و آیه فوق: معظم‌له در سخنان

- «اینجا جای همان جهاد کبیری است که من چند روز قبل از این مطرح کردم؛ «فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان، ۵۲) در تفاسیر گفته‌اند مراد از این ضمیر «به»، قرآن است، با اینکه حالا کلمه قرآن در عبارت نیامده است که ضمیر به آن برگردد لکن، هم مرحوم طبرسی در «مجمع‌البیان» گفته است، هم مرحوم علامه طباطبائی؛ مرحوم علامه طباطبائی می‌گویند سیاق کلام نشان می‌دهد که مراد از «به» یعنی «بالقرآن»؛ بنده هم آنجا همین را در سخنرانی گفتم؛ بعد که آمدم، به ذهنم رسید که یک وجه واضحی در اینجا وجود دارد که «فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»، یعنی «بعدم الاطاعة»؛ عدم‌الاطاعة یعنی آن مصدری که فعل از آن انشقاق پیدا می‌کند و مستتر در آن فعل است؛ «فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ»، یعنی به این عدم‌الاطاعة، جهاداً کبیراً؛ پس عدم‌الاطاعة شد جهاد کبیر؛ این معنا اقرب به ذهن است؛ حالا من البته فحص نکردم بینم در بین مفسرین کسانی این احتمال را داده‌اند یا نه، لکن به‌رحال این احتمال، احتمال مهمتی است. جهاد کبیر یعنی این؛ جهاد برای عدم تبعیت، برای عدم دنباله‌روی از دشمن» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۵/۳/۶).

- سه نوع جنگ دشمن در برابر ما: «دشمن چند جور حمله می‌کند: یک جور حمله‌های سخت است؛ جنگ سخت؛ این را دشمن تجربه کرد و شکست خورد؛ جنگ هشت‌ساله‌ای که علیه ما به راه افتاد، از این قبیل بود؛ جنگ بین‌المللی بود؛ یکی به صدام ابزار شیمیایی داد، یکی هواپیمای میگ داد، یکی هواپیمای میراژ داد، یکی امکانات ضد هوایی داد، یکی نقشه‌های جنگی داد؛ حتی نقشه‌های جنگی و ساخت سنگرها هم با کمک دیگران بود. اینها همه کمکش کردند که بلکه این جنگ را او ببرد؛ و نتوانست» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۵/۳/۶).

«مرحله دیگری از مقابله و معارضه آنها، عبارت بود از حمله نرم. حمله نرم یک نوعش همین چیزهایی است که مشاهده کردید: تحریم اقتصادی، تبلیغات اغواگر و امثال اینها. اینها کارهایی است که دشمن از روز اول شروع کرد و ادامه داد؛ به خیال خودشان

خود دو تفسیر از آیه فوق ارائه کرده‌اند: یکی همان تفسیر بالا که ضمیر (به) به قرآن برمی‌گردد. و دوم برگشت ضمیر (به) به عدم اطاعت که نتیجه آن جهاد کبیر بوسیله مقاومت و عدم اطاعت از کافران است.

- «امروز [جنگ نظامی مطرح نیست؛ امروز برای کشور ما جنگ نظامی سنتی و متعارف احتمال بسیار بسیار ضعیفی است لکن جهاد باقی است؛ جهاد یک چیز دیگر است. جهاد فقط به‌معنای قتال نیست، فقط به‌معنای جنگ نظامی نیست؛ جهاد یک معنای بسیار وسیع‌تری دارد. در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده: «وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان، ۵۲)؛ در سوره مبارکه فرقان است؛ «به» یعنی به قرآن، «وَجَاهِدْهُمْ بِهِ» یعنی به‌وسیله قرآن با آنها جهاد کن؛ جهاداً کبیراً. این آیه در مکه نازل شده است. درست توجه کنند جوان‌های عزیز! در مکه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمان‌ها مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آنها می‌کردند کار دیگری بود؛ همان کار دیگر است که خدای متعال در این آیه شریفه می‌گوید: «وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا». آن کار دیگر چیست؟ آن کار دیگر، ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت است. «فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان، ۵۲)؛ از مشرکین اطاعت نکن. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر. این تقسیم‌بندی غیر از تقسیم‌بندی جهاد اکبر و جهاد اصغر است: جهاد اکبر که از همه سخت‌تر است، جهاد با نفس است، همان چیزی است که هویت ما را، باطن ما را حفظ می‌کند؛ جهاد اصغر، مجاهدت با دشمن است، منتها در بین جهاد اصغر یک جهاد هست که خدای متعال آن را «جهاد کبیر» نام نهاده که آن همین است «جهاد کبیر» یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدان‌های مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدان‌های مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد «جهاد کبیر» (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)، ۱۳۹۵/۳/۳).

تحریم‌های فلج‌کننده‌ای را نسبت به جمهوری اسلامی اعمال کردند؛ این هم اثر نکرد؛ این هم نتوانست؛ آنها می‌خواستند جمهوری اسلامی را با این تحریم‌ها و با این محاصره‌ی اقتصادی فلج کنند، [ولی] جمهوری اسلامی فلج نشد» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۵/۳/۶).

«آنچه در مرحله سوّم دارد انجام می‌گیرد - که مال امروز هم نیست، چند سال است که شروع شده، سال‌ها است که شروع شده منتهای روزبه‌روز توسعه پیدا کرده - جنگ نرم از نوع دیگر است؛ این است که خیلی خطرناک است، این آن چیزی است که بنده مکرّر در مکرّر تذکر می‌دهم به مسئولان مختلف و به جهات مختلف؛ و آن عبارت است از نفوذ در مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری؛ آن عبارت است از نفوذ برای تغییر باورهای مردم؛ آن عبارت است از نفوذ برای تغییر محاسبات. ما که مسئول هستیم و نشستیم اینجا، یک محاسبه‌ای داریم برای کارهای خودمان، یک محاسبه‌ای می‌کنیم؛ این محاسبه نتیجه‌اش این می‌شود که این‌جور موضع بگیریم؛ اگر محاسبه ما را توانستند تغییر بدهند، موضع‌گیری ما تغییر پیدا خواهد کرد. یکی از کارهای اساسی آنها این است: تغییر در محاسبه‌ها در مسئولین؛ تغییر باورها در مردم؛ تغییر در مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، مجموعه‌هایی که تصمیم‌سازی می‌کنند و تصمیم‌گیری می‌کنند. این آن کار خطرناکی است که تهاجم به مبانی انقلاب در آن هست، تهاجم به بنیان‌های حافظ و محافظ هست؛ به سپاه حمله می‌کنند، حمله تبلیغاتی؛ به شورای نگهبان حمله می‌کنند؛ به نیروهای مؤمن و جوان‌های مؤمن حزب‌اللهی حمله می‌کنند؛ الان رادیوهای بیگانه و تلویزیون‌های بیگانه و تبلیغات بیگانه پُر است از این حرف‌ها؛ من نمی‌دانم شما آقایان محترم چقدر دسترسی دارید، چقدر می‌بینید؛ بخصوص با این ابزارهای جدید ارتباطاتی که به وجود آمده، دائم دارند روی این زمینه‌ها کار می‌کنند برای اینکه مخاطبین خودشان را به این نتیجه برسانند. به روحانیون انقلابی حمله می‌کنند؛ روحانی انقلابی را با عناوین گوناگون، [مثل] آخوند حاکمیتی و امثال آن، می‌کوبند. در یک کلمه: تلاش در این جنگ نرم، زمینه‌سازی برای تھی

شدن نظام از عناصر قدرت است؛ می‌خواهند کاری کنند که نظام اسلامی از عناصری که در درون او است و مایه‌ی اقتدار او است، تهی بشود و خالی بشود. وقتی ضعیف شد، وقتی عناصر قدرت در او نبود، وقتی اقتدار نبود، دیگر از بین بردنش و کشاندنش به این سمت و به آن سمت، کار مشکلی برای ابرقدرت‌ها نخواهد بود؛ می‌خواهند او را وادار کنند به تبعیت» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۵/۳/۶). سپس امام‌خامنه‌ای (مدظله العالی) تأکید می‌کند که جهاد کبیر برای مقابله با جنگ نرم به شیوه سوم است (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۵/۳/۶).

بررسی: گاهی این جنگ نرم نوع سوم تحت عنوان «جنگ شناختی» نامیده می‌شود که تغییر در باورهای مردم و مسئولان را بدنبال دارد و قرآن می‌تواند با تعمیق باورهای مردم و مقابله فرهنگی این جنگ نرم را خنثی سازد.

قرآن کریم به عنوان مقوله‌ای فرهنگی با بیان اعتقادات، اخلاق، احکام و نکات علمی روح و ذهن مخاطبان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با جنگ نرم و جنگ شناختی دشمن مقابله می‌کند بلکه تهاجم فرهنگی مثبت را علیه دشمنان به وجود آورد.

همانطور که امروز در جهان غرب مشاهده می‌شود که توجه به قرآن (بویژه اعجازهای علمی و محتوایی عالی آن) زیاد شده و زمینه‌ساز اسلام آوردن افراد زیادی را در اروپا و آمریکا بویژه در ملیت‌های مظلوم مثل سیاه پوستان فراهم کرده است. البته یادآوری این نکته ضروری است که بر اساس حدیث ثقلین قرآن کریم از اهل بیت (س) جدا نیست همانطور که قرآن وسیله دفاعی و جهاد کبیر است معارف و محبت اهل بیت (س) نیز وسیله دفاع و جهاد کبیر است. همانطور که مشاهده می‌شود که مجالس اهل بیت (س) بویژه عاشورا و اربعین که همچون سدّی پولادین در برابر جنگ نرم و جنگ شناختی غرب علیه جوانان مسلمان عمل می‌کند.

جمع بندی و نتیجه‌گیری:

قرآن کریم نقش‌های متعددی در جهاد و دفاع دارد از جمله نقش عقلانی، سیاست‌گزاری، وسیله دفاعی در

برابر جنگ نرم (شناختی) که از آیات قابل استنباط
است و امام خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز به عموم آنها
اشاره کرده است.

فهرست منابع:

- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الأمالی، تهران، انتشارات کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الخصال، جماعة المدرسين في الحوزة العلمية، قم، ۱۴۱۶ ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، قم، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
- ابو نعیم الإصفهانی، احمد بن عبدالله، حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۶ ق.
- آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- انجیل متی، انجمن کتاب مقدس، ۱۳۶۳ ش.
- بهشتی، محمد، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، تهران، سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
- جلالی، سید محمد رضا، اسباب النزول، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۰ ق.
- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش.
- حائری تهرانی، میر سید علی، مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ ش.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، بیروت، مؤسسه آل البيت (س)، ۱۹۹۳ م.
- حقی البروسوی، شیخ اسماعیل، تفسیر روح البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ ق.
- دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم: دارالبشارات، زمستان ۱۳۸۸ ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
- رازی، أبو الفتوح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق دکتر محمد جعفر یاحقی - دکتر محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق - بیروت: دارالعم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ق.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، علوم قرآن (۲) (اعجاز در علوم طبیعی و انسانی)، انتشارات بین‌المللی جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۲ ش.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، قم، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۷ ش.
- رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (۴) مباحث جدید دانش تفسیر (زبان قرآن، هرمنوتیک، فرهنگ زمانه)، قم، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۵ ش.
- زرخشوری، جازالله محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التأویل، مصر، مطبعه مصطفی البابی و اولاده، ۱۳۸۵ ق.
- ساجدی، ابوالفضل، زبان دین و قرآن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵ ش.
- سعیدی روشن، محمد باقر، تحلیل زبان قرآن و روش‌شناسی فهم آن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
- سید قطب، ابراهیم حسین شاذلی، فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق، ۱۴۱۲ ق.
- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.
- سیوطی، جلال الدین، لباب النقول فی اسباب النزول، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق.
- صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ش.
- طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه؛ تفسیر نور الثقلین؛ انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ ق.

- عیاشی، محمدبن مسعود، تفسیر عیاشی، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۱۱ق.
- فخررازی، ابوعبدالله محمدبن عمر، تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۲۰ق.
- فیض کاشانی، ملامحسن، الصافی فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه الهادی، ۱۴۱۶ق.
- فیض کاشانی، ملامحسن، اصول المعارف، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵ش.
- قزائنی، محسن، تفسیر نور، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ش.
- قرطبی، محمدبن احمد، الجامع الاحکام القرآن «تفسیر قرطبی»، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۹ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی، محمدبن باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- محقق، محمدباقر، نمونه بینات در شأن نزول آیات، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۹ش.
- محمدبن اشعث، الجعفریات (الاشعثیات)، تهران، مکتبه النینوی الحدیثه، تهران، بی تا.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی و همکاران، تفسیر قرآن مهر، قم، مؤسسه دارالذکر، ۱۳۸۳ش.
- مراغی، احمدبن مصطفی، تفسیر المراغی، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸ش.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش.
- مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۷۷ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، تحریر الوسيله، قم، انتشارات اسلامیة، ۱۳۶۴ش.
- میبدی، رشیدالدین احمد بنایی سعد، کشف الأسرار و عدة الابرار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
- هاشم بحرانی، البرهان فی التفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- <http://fa.wikifeqh.ir/>
- <https://farsi.khamenei.ir/>